

درحال نابودشدن است. بااین حال هزینه ۱۰۰میلیارد تومانی برای ساخت سددر بالادست وجود دارد! چرا این کار را می کنند؟ به دلیل اینکه شرکت های مهندسی مشاورشان بتوانند سد بسازند و منفعت شان در این نیست که بیابند آب بندان هار اتعمیر کنند. برای مدیریت مصرف آب یا تصفیه فاضلاب یا جلوگیری از ورود شیرابه به تالاب ها اقدام می کنند. این تعارض منافع در سطح گسترده سازمان وجود دارد.

●●● **ظاهرا تعارض منافع در بدنه دولت بین سازمان حفاظت محیط زیست و برخی دستگاه های اقتصادی بیشتر است.**

شما می بینید تالاب هورالعظیم خشک شد. چون وزارت نفت می خواست هزینه استخراج نفت را از میدان آزادگان ۲۰ درصد کاهش دهد و در نتیجه طی لابی با سازمان محیط زیست و آب و برق خوزستان گفت که آنها آب را به سمت هورالعظیم هدایت نکنند. چندین دیواره داخل تالاب کشیدند، محدوده طبیعی تالاب را که حدودا ۴۰۰ هزار هکتار بود به ۱۲۰ هزار هکتار کاهش دادند و تالاب را از ماهیت طبیعی خود خارج کردند. تالابی را که می توانست کولری طبیعی برای خوزستان، قطب گردشگری و قطب تنوع زیستی باشد از بین بردند تا هزینه استخراج نفت را ۲۰ درصد کاهش دهند! امثال های تعارض منافع بین سازمانی فراوان است.

●●● **اما گاهی تعارض منافع فقط مربوط به منافع اقتصادی نیست. ممکن است منافع قومیت ها یا گروه های سیاسی مدنظر باشد. چنین نیست؟**

بله؛ دقیقا، مثلا در همین ماجرای طرح انتقال آب خزر به سمنان تعارض منافع سیاسی را در بالاترین سطح می بینیم. دستگاه های متولی یعنی وزارت نیرو و سازمان محیط زیست عملا و عمیقا مخالف طرح انتقال آب هستند. اما روسای بالادستی که منافع شان آب رسانی به استان مورد نظر خودشان است، فشار می آورند تا طرح اجرا شود. بنا بر این وقتی نمی توانیم در آن بالادست مشکل تعارض منافع را حل کنیم، طبیعی است که در مقیاس های پایین تر نتوانیم کاری کنیم.

●●● **ذی نفعان حقوقی که به آنها اشاره کردید، دقیقا چه کسانی و چه دستگاه هایی هستند؟**

هر سازمانی که موظف به ارایه ارزیابی اثرات محیط زیستی است مثل وزارت راه و شهرسازی، صنعت، معدن و تجارت، دستگاه های مربوط به تولیدات صنعتی و تقریبا همه سازمان های کشور به نحوی با محیط زیست در ارتباط هستند. طبق قانون، این سازمان بسیار پر قدرت است؛ مثلا در حوزه معادن کشور مجلس طرحی تصویب کرده بود، اما در دوران معاونت احمد علی کیخا در سازمان حفاظت محیط زیست ایشان نامه ای به شورای نگهبان نوشتند و اعلام کردند تصویب این طرح موجب تخریب غیر قابل جبران محیط زیست می شود و شورای نگهبان نیز به استناد نظر کارشناسی همین نامه، طرح را تصویب نکرد. پس این سازمان قدرت زیادی در تصویب یا رد طرح های مختلف اعم از انتقال آب، توسعه میدان های نفتی، عملیات عمرانی و راهسازی و... که بسیار هم پول ساز است، دارد. اگر این سازمان بلغزند، کسانی که می خواهند از این مسائل در آمد مالی به جیب بزنند، به در آمد هنگفتی می رسند، بنا بر این می توانند در مقابل ذی نفعان حقوقی بایستد البته اگر بخواهد.

●●● **به نظر می رسد اثر اشخاص حقیقی در موارد تعارض منافع هم کم نباشد. شما چه مصداق هایی سراغ دارید؟**

یک مثال می زنم، وقتی یک طرح انتقال آب توسط وزارت نیرو بوا استعلام نظر کارشناسی از محیط زیست اجرامی شود، این طرح می تواند در کوتاه مدت در حوزه مقصد تحول ایجاد کند. اگر شما طرح انتقال آب خزر به کویر مرکزی را بررسی کنید، جمله ای در صفحه پایانی آن است که می گوید یکی از مزایای این طرح افزایش قیمت زمین در حوزه مقصد خواهد بود. یعنی در جایی که با کمبود آب روبه روست، وقتی یکباره حجم زیادی آب انتقال دهیم، قیمت زمین افزایش پیدا می کند و آن وقت آنها ای که در کار سوداگری زمین هستند، می توانند نفع زیادی ببرند. چه کسی می داند که قرار است ۱۰ سال بعد طرح انتقال آب اجرا شود؟

آن کسی که دارد آن طرح را مضمایم کند و آینده طرح را می داند. الان می تواند در آنجا هکتاری زمین بخرد و بعدا متری بفروشد. حتی می تواند از ثروتمندان جلب مشارکت کند که مثلا دولت هزینه اجرای این طرح را ندارد و اگر در این طرح سرمایه گذاری کنید، بعدا می توانیم در منافع افزایش قیمت زمین هابا هم شریک شویم. عین این ماجرا در جای جای کشور در حال رخ دادن است. جاده های آبی قرار است از جایی عبور کند که خیلی ها از آن خبر ندارند، پیش از عبور جاده، قیمت زمین به شدت کم است و می توان آن را به صورت هکتاری خرید. در همین غرب تهران قبل از ساخت دریاچه چیتگر و عبور اتوبان همت، زمین به عنوان میدان تیرا استفاده می شد، اصلا مجوزی برای ساخت و ساز صادر نمی شد. اما گروهی آمدند و آنجا زمین خریدند، چون می دانستند قرار است بزرگ ترین دریاچه ساخته شود و ارتش، میدان تیر را واگذار کند. فکر می کنید این افراد به صورت اتفاقی آمدند و این زمین های بی ارزش را خریدند و چیزی حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان در این خرید و فروش سود کردند؟ با این جور رقم هانی شود هر کسی را خرید تمام کسانی که در این پروژه دخیل بودند از پیشنهاد دهند و مجری گرفته تا ناظر و ارزیاب محیط زیستی و... می توانند از این رانت اطلاعاتی استفاده کنند و همین رانت اطلاعاتی می تواند در اظهار نظر آنها در باره پروژه تاثیر گذار باشد. اخیرا روحانی در افتتاح اتوبان همت به سمت کرج گفتند ساخت این اتوبان باعث گران شدن زمین های اطراف آن در کرج شده، چرا ما پول اتوبان را بدهیم، برویم پول را از همان هایی بگیریم که زمین هایشان گران شده است. می خواهم بگویم افرادی که ماهانه ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان حقوق می گیرند و در عین حال در شمال ویلا دارند و املاک گران قیمت و چندین خودرو دارند، آیا اینها با همان حقوق به اینجا رسیده اند؟ وقتی بررسی می کنید، می بینید هیچ تخلفی نشده و ظاهرا زمینی خرید اند که بعدا گران شده. ولی چگونه شانس آنها زده و گران شده در حالی که برای بقیه مردم چنین چیزی رخ نمی دهد؟

●●● **اما گاهی قوانین و دستورالعمل ها هم افراد را در موقعیت تعارض منافع قرار می دهد. این درست است؟**

در واقع در بسیاری از موارد این قوانین است که فرد را در معرض انتخاب نفع شخصی و عمومی قرار می دهد. وقتی در سازمان محیط زیست، کارشناسان دفتر ارزیابی همیشه تحت فشارند، اگر ضابطه مند نباشند، به راحتی می لغزند. چون کافی است ماتریس یک ارزیابی را



خبرگزاری تسنیم

## گفت و گو با محمد درویش، مدیرکل سابق دفتر مشارکت های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست

# برای مدیریت تعارض منافع تصویب قانون کافی نیست



پرونده

**[افسانه شرکت / حمیدرضا میرزاده]** در آذرماه سال گذشته، دولت لایحه ای تحت عنوان «نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارایه خدمات عمومی» برای تصویب به مجلس ارسال کرد. این لایحه که از نظر معاون اول رئیس جمهوری می توانست در مبارزه بنیادین با فساد موثر واقع شود در مجلس دهم فرصت بررسی و تصویب نیافت، با این حال، برخی از دستگاه های دولتی به صورت پیشگیرانه برای مقابله با تعارض منافع پیشقدم شده اند؛ چنانکه وزیر آموزش و پرورش در این باره ابلاغیه ای هم صادر کرده است. در بهمن ماه سال گذشته هم بهمن قبادی دانا، رئیس سازمان بهزیستی کشور از صدور بخشنامه تعارض منافع در این سازمان خبر داد که منجر به استعفای ۱۰۰ نفر از مسئولان بهزیستی شد. موضوع تعارض منافع حالا بیش از گذشته مورد توجه مراکز پژوهشی قرار گرفته است؛ چنانکه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و جهاد دانشگاهی تفاهم نامه ای درباره «تدوین سند تعارض منافع و تأثیر آن بر رفاه اجتماعی» امضا کرده و می کوشد برای شناسایی و حل مصادیق تعارض منافع در سطوح سازمانی و قانونی گامی عملی بردارد. در کنار این کار پژوهشی، بازتاب دیدگاه های کارشناسان در رسانه ها می تواند میان جامعه و تحقیقات نظری پیوند مناسبی برقرار کند. روزنامه شهروند می کوشد در همکاری با «مرکز توانمندسازی حکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی» از طریق انتشار گفت و گوهای انجام شده با کارشناسان این پیوند را برقرار کند. یکی از مصادیق تعارض منافع در حوزه محیط زیست، موضوع «اشتغال همزمان و درهای گردان» است. اشتغال همزمان به معنای اشتغال کارکنان دولت اعم از کارشناسان، مدیران و روسای سازمان های دولتی و نهادهای اجرایی به طور همزمان در دو بخش دولتی و خصوصی است. این نوع از تعارض منافع می تواند فرد را در شرایطی قرار دهد که بین منافع عمومی و ملی و منافع شخصی اش بر سر دو راهی قرار گیرد. در این صورت انتخاب نفع شخصی می تواند زمینه ساز بروز فساد شود. درهای گردان نیز به معنای اشتغال افراد بازنشسته در فعالیت های اقتصادی و استفاده از ارتباطات درون سازمانی خود در جهت منافع شخصی است. برای بررسی مصادیق، ابعاد و راهکارهای مدیریت این موضوع در سازمان حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی کشور با محمد درویش، عضو هیأت علمی موسسه تحقیقات جنگل ها و مراتع و مدیرکل سابق دفتر مشارکت های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست به گفت و گو نشستیم. او معتقد است ابعاد تعارض منافع بین سازمانی و در سطح کلان بسیار بزرگتر از ابعاد تعارض منافع اشخاص حقیقی است؛ با این حال نمی توان برای رفع این معضل تنها به تصویب قوانین اتکا کرد.

به عنوان تسهیلگر از آنها استفاده می شود، چون در هر ادراه ای دوستانی دارند و از همین نفوذ می توانند استفاده کنند و برخی از قوانین را دور بزنند.

●●● **موضوع تعارض منافع از بسیاری جنبه های می تواند عملگر در سازمانی و شخصی تاثیر گذار باشد. شما در سازمان حفاظت محیط زیست حضور داشته اید و سازمان جنگل ها و مراتع را نیز به خوبی می شناسید. چه مصادیقی از این تعارض ها در این دو سازمان سراغ دارید؟**

متأسفانه با خوشبختانه مصادیق فراوانی می توان برشمرد که مصداق بارز تعارض منافع محسوب می شود. بخشی از این تعارض منافع، تعارض های سازمان است که در لایحه مدیریت تعارض منافع کمتر به آن پرداخته شده است. اما به نظر من خیلی جدی تر هستند و برخی دیگر تعارض منافع شخصیت های حقیقی است. در واقع متعارض منافع برای شخصیت های حقوقی زیاد داریم؛ به عنوان مثال در میانه دهه ۱۳۸۰ تصمیم گرفته شد ارتفاع تاج سد اکباتان در استان همدان ۲۵ متر افزایش یابد. هزینه این کار در آن زمان ۴۵ میلیارد تومان برآورد شد که این رقم ۹ برابر بودجه سالانه بزرگ ترین نهاد پژوهشی کشور یعنی موسسه تحقیقات جنگل ها و مراتع بود. وقتی به رئیس آن سد گفتیم چرا قصد چنین کاری دارید؟ گفت مخزن سد از رسوب پر شده. گفتیم چرا این اتفاق رخ داده؟ گفت به دلیل اینکه معادن سیلیس در بالادست غوغا می کنند، تعادل دام و مرتع وجود ندارد و میران فرسایش خاک تا ۳۵ تن در هکتار یعنی چند برابر حد مجاز افزایش پیدا کرده است. گفتیم پس خودتان هم می دانید که اگر ارتفاع تاج سد افزایش یابد باز هم چند وقت دیگر پر از رسوب می شود. گفت یعنی این پول را به وزارت صنایع و معادن یا وزارت کشاورزی بدهیم تا معادن یا دامداری ها را کنترل کنند؟ آن وقت چه چیزی عاید سازمان ما می شود؟ یعنی دقیقا منافع بخشی، منافع ملی را ذبح می کند. مصداق های زیادی از این ماجرا داریم. یک مثال دیگر، ساخت سد لاسکر در منطقه دینان در بالادست تالاب انزلی است و دلیل آن هم تأمین آب شرب و کشاورزی عنوان می شود، اما حاضر نیستند آب بندان های داخل منطقه را تعمیر و لایروبی کنند و می گویند ۴۰۰ میلیارد تومان نداریم تا تصفیه خانه انزلی را احداث کنیم، در حالی که به دلیل نبود تصفیه خانه، فاضلاب شهری به تالاب انزلی وارد می شود و

●●● **به نظر شما، آیا می توان در حوزه محیط زیست و منابع طبیعی به طور کلی اشتغال همزمان کارکنان یا بازنشستگان را ممنوع و با آن برخورد قانونی کرد یا آنکه به دلیل تخصصی بودن این حوزه و تعداد کم افراد متخصص و با تجربه نسبت به سایر حوزه ها می توان با اجرای قانون و مقرراتی حضور افراد را در مشاغل همزمان با پس از بازنشستگی پذیرفت، اما تعارض منافع را کنترل و مدیریت کرد؟**

پیش از آنکه مدیرکل دفتر مشارکت های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست شوم، عضو هیأت مدیره یک سازمان مردم نهاد محیط زیستی بودم. بعد از انتصابم، نامه ای از بازرسی به دستم رسید که نمی توانم همزمان مدیرکل و در هیأت مدیره یک سازمان غیردولتی هم عضو باشم. به همین دلیل از هیأت مدیره آن سازمان غیردولتی استعفا کردم. در صورتی که بسیاری از کارکنان و مدیران دولتی عضو سازمان های مردم نهاد یا شرکت های خصوصی هستند. همین الان یکی از معاونان سازمان محیط زیست عضو هیأت مدیره شرکت مهندسی مشاور در حوزه سد سازی است.

●●● **فکر می کنید اگر معاون سازمان در بخش ارزیابی هم فعالیت کند، مشکلی ایجاد می شود؟**

اگر بسیاری از قرارداد های این معاونت با آن شرکت خاص منعقد شود، آن موقع مشکل ایجاد می کند. یاد موارد دیگر، اگر رهگیری کنیم که مثلا سازمان محیط زیست برای آموزش محیط بانانش قصد انعقاد قرارداد دارد و فقط یک دانشگاه خاص قرارداد می بندد و متوجه شویم شخصی که در آن دانشگاه حضور دارد از دوستان یک مدیر ارشد سازمان است، قضیه بودار می شود. یا اگر در ارزیابی های محیط زیستی، پروژه هایی توسط یک شرکت مهندسی مشاور که از دوستان یک مدیر سازمان هستند، تأیید شود، این اتفاقات معنی دار می شود.

●●● **فعالیت افراد بازنشسته در بخش خصوصی، در چه حوزه هایی می تواند با استفاده از رانت اطلاعاتی و ارتباطی باعث بروز مشکل شود؟ این موضوع چقدر در محیط زیست نمود داشته است؟**

بازنشسته ها به دلیل اینکه تجربیات زیادی دارند و چم و خم خیلی از کارها را می دانند



هر سازمانی که موظف به ارایه ارزیابی اثرات محیط زیستی است مثل وزارت راه و شهرسازی، صنعت، معدن و تجارت، دستگاه های مربوط به تولیدات صنعتی و تقریبا همه سازمان های کشور به نحوی با محیط زیست در ارتباط هستند. طبق قانون، این سازمان بسیار پر قدرت است؛ مثلا در حوزه معادن کشور مجلس طرحی تصویب کرده بود، اما در دوران معاونت احمد علی کیخا در سازمان حفاظت محیط زیست ایشان نامه ای به شورای نگهبان نوشتند و اعلام کردند تصویب این طرح موجب تخریب غیر قابل جبران محیط زیست می شود و شورای نگهبان نیز به استناد نظر کارشناسی همین نامه، طرح را تصویب نکرد.

